

علی ربیعی از وزارت اطلاعات تا وزارت کار همزمانی با یادمان تابستان ۶۷ جنایت بر علیه بشریت توسط جمهوری اسلامی

مهدی اصلانی صفحه 372 کتاب کلاغ و گلسرخ « بیست سال پس از آن تباهی ی ناب دیگر بدون اسم شب می‌توان نام تصمیم گیرندگان اصلی را بزبان آورد. خمینی با شعار معروف "همه با هم" دست تمام کارورزان نظام را در طشت خون شست و شو داد: روسای سه قوه ، برخی از وزرا، مانند وزیر اطلاعات ، محمد ری شهری ، مشاوران ارشد این وزارت خانه ، هم چون سعید حجاریان و علی ربیعی ، علی اکبر ولایتی ، وزیر امور خارجه ، محمد خاتمی، وزیر ارشاد ، برخی عوامل پشت پرده هم چون حسین شریعتمداری."

مقدمه

با یک نگاه اجمالی به تاریخ سیاسی ایران می‌توان آقای روحانی را با آقای کاشانی در سال 1332 مقایسه کرد. دو چهره روحانی که گرایش بسیار نزدیکی به انگلیس داشته و دارند و با میانه‌روی دروغین وانمود می کنند که سکان سیاست در ایران را به سمت درست هدایت می‌کنند ولی هر دو در خلوت خود می‌دانستند و می‌دانند که این نوع سیاست دیر یا زود با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد.

روزنامه شورش به مدیریت کریمپور شیرازی در 27 تیر 32 با انتشار عکسی از کاشانی در میان اوباشانی چون شعبون بی مخ و رمضان یخی خبر از پنهان شدن زاهدی در منزل کاشانی را داد، همایون کاتوزیان در کتاب مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران در صفحه 212 نوشت «کاشانی در مجلس با زاهدی روبوسی کرد و به او گفت که تا هر وقت که میخواهد در مجلس باشد . همچنین به کارکنان مجلس دستور داد تا از این "مهمانان عزیز" پذیرایی کنند. روحانی در همان جلد امروز بجای شعبون بی‌مخ و رمضان یخی لباس شخصی های دارد که از همان سنت می‌آیند و کم نیستند شیفتگان کاشانی در کابینه اش. آقای روحانی در مراسم تحلیف خود در سیزده مرداد گفت «سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم» و ایشان از تمامی کاندیدهای وزارت خودش دفاع میکند.

آقای حجاریان در مطلب خود در سایت فرارو در بیست و نه تیر ماه نوشت که: «روحانی کار دشواری دارد و برخورد با جریان‌های رانتی درون دولت و دیگر نهادها نیاز به تیم قوی، وزارت اطلاعات قوی و نیز همکاری جدی قوه قضائیه و مجلس دارد. دستاوردهای مشخصی را از این دولت ببینند که این امر کار را بیش از پیش دشوار می‌کند.»(1)

حجاریان در این یادداشت به یک مطلب اساسی اشاره می کند که دولت‌های اصلاحات و اعتدال در حقیقت با یک تیم اطلاعاتی کار خود را پیش می‌برند تا بتوانند سیاست‌های خصوصی‌سازی یا خودمانی‌سازی را بدون دردسر عملی کنند اصلاح طلبان برای بهره گیری از ظرفیت قشر کارگر برای به دست آوردن امتیازات سیاسی اشاره کرده است. و در این راستا است که می‌بینیم وزیر اقتصاد پیشنهادی آقای روحانی، آقای طیب‌نیا است که تمام برنامه‌ی وی در راستای کم کردن نقش دولت در اقتصاد است، آن هم اقتصادی که در تمام عرصه‌ها در دست سپاه، که یک پای اصلی سیاست در ایران، است . حال وزیر صنعت هم آقای محمدرضا نعمت‌زاده است که طبق ادعاهای خودی ها دارای بنگاه اقتصادی است.

در این میان، نصیب طبقه کارگر ایران آقای ربیعی شده است، چهره ای امنیتی بسیار بیرحم .

متأسفانه ما شاهد نامه‌های بین‌المللی به آقای روحانی هستیم که در یک مورد در رابطه با وضعیت کارگران است. ر آقای روحانی با پیشنهاد آقای ربیعی بعنوان وزیر کار نشان داد که خواهان چه نوع تغییری در محیط کار است. آقای ربیعی بنیانگذار حزب خانه کارگر است، حزبی که هیچ‌گاه مشکلی نداشته و آقای هاشمی رفسنجانی همیشه از این حزب مراقبت کرده، در همه جا حضور داشته و با دارا بودن پولهای عظیم توانسته بسیاری را آلوده و فاسد کند. حزب خانه‌ای کارگری که هنوز چشم بسیاری به نور آن روشن می‌شود و در مقالات قبلی به سخنگویان آن‌ها پرداخته ایم و یاران آن‌ها در سطح بین‌المللی باید هم از آمدن نام ربیعی در لیست وزرا خوشحال شوند، چرا که با آمدن ربیعی یک بار دیگر جریان‌ات طرفدار (WFTU) راحت‌تر میتوانند از رژیم ایران حمایت بکنند ولی اینبار نه به برکات "ضدامپریالیست!"، دوران ضد امپریالیست بودن برای دوره ای کنار گذاشته میشود. ولی اینبار در معیت حمایت از بیکاران روحانی بهره‌مند می‌شوند و شاید با آمدن ربیعی آن‌ها یکبار دیگر در به سطوح رهبری حزب خانه کارگر برسند و راحت‌تر بتوانند اول ماه می را برگزار کنند و نشریات خودشان را راه بیاندازند و بودجه دولتی هم بهره‌مند شود. ولی همانطوری که در دوران خاتمی سرکوب تشکلات مستقل وجود داشت در این دوره شاید اوج هم بگیرد و بر همین اساس است که تشکلات مستقل کارگری و افراد کارگری معتقدند که تغییری صورت نگرفته بلکه وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان هر روز از روز قبل بدتر میشود.

انتخاب ربیعی شاید برای کسانی که در دهه‌ی اول حکومت خود **درکنار صاحبان قدرت ویا شریک در قدرت** بوده‌اند، یک دستاورد باشد ولی برای جنبش کارگری یک معنی جدی دارد، بازگشت به برقراری نهاد امنیتی قوی در محیط کار برای کنترل کارگران، آنهم محیط‌های کاری که بسیاری از آن‌ها بحالت انفجاری رسیده‌اند و مدیریت بسیاری از آن‌ها قادر نیستند و نمی‌توانند حقوق کارگران را به‌موقع پرداخت کنند چه رسد به بهتر کردن شرایط کار کارگران و جامعه کارگری که در بسیاری از استانهای کشور تا مرز چهل درصد بیکاری را در خود دارد.

آقای ربیعی بر اساس شواهد زندانیان سابق و گزارش سایتها و مباحث افراد حکومتی نشان می‌دهد که ایشان در تمامی سی و پنج سال حکومت اسلامی چه در شکنجه‌ی کارگران و زحمتکشان بخصوص دهه شصت و بعد از آن نقش مهمی داشته و در این عرصه‌ها از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده است.

در گزارش عصر امروز، رجانیوز نوشته: "علی ربیعی نامزد احتمالی برای تصدی وزارت کار و رفاه و امور اجتماعی از جمله اعضای کابینه پیشنهادی سابقه سئوال برانگیزی نیز در حوزه امنیتی دارد." (2)

غیر واقعی مینویند که از مشخصات فردی علی ربیعی در مسئولیت‌های اجرایی اطلاعات کاملی در دست نیست؛ تنها از میان خاطرات دری نجف آبادی مشخص می‌شود ربیعی با نام مستعار "عباد" معاون پارلمانی وزارت اطلاعات و پیش از آن مدیرکل اطلاعات آذربایجان غربی نیز بوده است. (3)

به گفته‌ی عبدالله شهبازی چون نیرو نداشته‌اند در انداختن زندانیها در تابوت و خفه شدن آنها یکی از خاطرات جالب زندگی علی ربیعی که در کمال خونسردی و به عنوان طنز تعریف می‌کند. برای نداشتن نیرو چند متهم (فعالین سیاسی) را در جعبه کرده و درش را بسته‌اند که در آستارا تحویل بگیرند آن طرف همه مرده بودند. (4)

فلاحیان نیز در مصاحبه ای با روزنامه جام جم از تدریس او در دانشگاه امام باقر که زیر نظر وزارت اطلاعات است، به عنوان استاد عملیات روانی یاد می کند. فلاحیان در مصاحبه ای نیز از چگونگی خروج وی از وزارت و رفتن به شورای امنیت ملی این گونه می گوید:

ربیعی فعالیت سیاسی خود را از شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی در کنار افرادی همچون «حسین کمالی» و «علیرضا محجوب» آغاز کرد. او از عناصر ثابت و اصلی خانه کار و کارگر بوده است. بعد از تشکیل وزارت اطلاعات مدیریت کل اطلاعات آذربایجان غربی را به عهده داشته است و سپس معاون پارلمانی همان وزارت خانه شد. " ما بهش گفتیم دیگر نمی شود که در اطلاعات بمانی. چون رفتی در یک گروه سیاسی. یا آن را انتخاب کن و یا وزارت را. او هم خیلی با من بد شد... علی ایحال وقتی کنارش گذاشتیم، آقای حسن روحانی او را برد به دبیرخانه شورای امنیت ... بعد از انتخابات آقای خاتمی می خواست او را وزیر کار بگذارد و خیلی روی این مساله اصرار داشت... و در هر حال ربیعی وزیر کار نشد... یک هو گفتند بشود دبیر شورای امنیت... بالاخره با لابی بازیهای پشت پرده قرار شد که حالا رسماً دبیر همین آقای روحانی باشد ولی مسئول اجرایی شورای امنیت، عباد شود. البته این پست عباد بسیار کلیدی است در امنیت کشور... " **همان منبع**

ارتباط دوستانه خاتمی و عباد تا آنجا بود که در نجف آبادی در خاطرات خود درباره اولین اقداماتش در وزارت اطلاعات می گوید: " در حدود نه صفحه استراتژی خود را نوشتم پس از آن کپی گرفتم و يك نسخه برای آقای عباد و نسخه دیگر برای آقای معیری از بچه های وزارت فرستادم. هدفم از فرستادن کپی نوشته هایم برای آنها، دریافت تجربه ها و پیشنهاداتشان بود و یا این که اگر نکته ای مورد نیاز بود از آنها دریافت نمایم. ضمن این که، آقای عباد از نزدیکان آقای خاتمی بود. " **همان منبع**

علی ربیعی و ماجرای قتل های زنجیره ای

در ماجرای قتل های زنجیره ای نیز گه گاه نام ربیعی به میان آمده است. پرونده قتل های زنجیره ای زیر نظر کمیته ی تحقیق سه نفره رییس جمهور شامل علی یونسی (رئیس وقت سازمان قضایی نیروهای مسلح)، عباد (علی ربیعی) و سرمدی و به مشاورت سعید حجاریان و خسرو تهرانی آغاز به کار نمود و از همان ابتدا نقش گسترده عباد در آن به چشم می آمد. گروه اول بازجویی زیر نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح آغاز به کار کرد. به واسطه ی گزارش های عباد در مرداد ۱۳۷۸ گروه اول بازجویی منحل و با تشکیل گروه دوم (موسوم به گروه بازخوانی) موافقت شد؛ ربیعی نتایج کار گروه بازخوانی را چنین برمی شمارد: «اول اینکه در بازجویی ها، روش های درستی به کار گرفته نشده بود، دوم اینکه انحراف در بازجویی وجود داشت، به این معنی که این پرونده از مسیر کشف قتل ها دور شده بود، سوم اینکه مواردی مانند بمب گذاری در مشهد و سه مورد دیگر مانند ترور و قتل شخصیتی دیگر، نمی توانست کار این گروه باشد» بدین ترتیب مسیر پرونده به طور کامل تغییر کرد و در نتیجه پیکان اتهامات به سمت فلاحیان نشانه رفت؛ فردی که موجب اخراج عباد از وزارت اطلاعات شده بود.

روح الله حسینیان در مصاحبه ای با هفته نامه "یا لثارات" در ۴ آبان ۱۳۷۹ می گوید: «... اوایل تشکیل وزارت اطلاعات چندین سال نماینده دادستان در وزارت اطلاعات بودم و از تمام عملکردهای ایشان (ربیعی) با خبر هستم. در حقیقت من و آقای محسنی اژه ای به خاطر عملکردهای خشونت آمیز آقای ربیعی، سعید حجاریان و امثال اینها نتوانستیم آنجا بمانیم ...» «ربیعی از خشن ترین بازجویان و شکنجه گران وزارت اطلاعات بود. وقتی هم چهره او افشا می شود که کسی مانند روح الله حسینیان خشونتش را بالای خشونت محسنی اژه ای بشمارد

و بگوید: «...خشونت همین آقای "وردی‌نژاد" مدیر خبرگزاری جمهوری اسلامی، همین آقای "علی ربیعی" با اسم مستعار آقای «عباد»، من که با شما همکاری بودم. من بارها با شما سر خشونتتان با متهمین درگیر شدم... آقای «محسنی‌اژه‌ای» (وزیر اطلاعات دولت احمدی‌نژاد و از آمران قتل‌های زنجیره‌ای) به خاطر خشونت همین آقای "عباد" با متهمین استعفا داد و رفت. اینها آمده‌اند؛ شعار ضد خشونت سر می‌دهند. واقعاً انسان نمی‌داند قسم "حضرت عباس" را باور کند یا دم خروس را؟» (نقل از کتاب شنود اشباح رضا گلپور صفحه ۷۳۰ - هفته‌نامه «الثارات الحسین» ۲۹ مهر ۱۳۷۹، سخنان «روح‌الله حسینیان».)

عبدالله شهبازی می‌گوید «پرونده قتل‌های زنجیره‌ای»، به‌سان موارد مهم مشابه در کشورهای چون ایالات متحده آمریکا و بریتانیا، بار دیگر ثابت می‌کند که بزرگ‌ترین مانع رمزگشایی از طرح‌های بغرنج اطلاعاتی آلوده شدن آن به تعارضات و منافع و مصالح جناح‌ها و احزاب سیاسی است. این شیوه نگارش و برخورد می‌تواند به مدفون شدن رازهایی بینجامد که کشف آن برای تداوم حیات یک ملت دارای اهمیت بنیادین است. به گمان من، برخی نابسامانی‌هایی که امروزه از آن رنج می‌بریم، نه همه آن، پیامد محتوم دفن شدن «پرونده قتل‌های زنجیره‌ای» و فقدان آگاهی یا عزم لازم برای ریشه‌یابی آن بوده است.» (5) قدرت پنهان روابط ربیعی و شهبازی عقاید مشترک این دو، شهبازی را وادار به حفظ این دوستی می‌کند که در رابطه با پرونده قتل‌های زنجیره‌ای این چنین بگوید.

اینطور وانمود می‌شود که علی ربیعی به عنوان مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر در سال ۷۹ به اتهام نشر اکاذیب، افتراء و تهمت به قصد تشویش اذهان عمومی به دادگاه فراخوانده شد. علی ربیعی، زمانیکه که مسئول روزنامه کار و کارگر بوده، مسئول اجرایی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی هم بوده است. و طبق ادعای خودشان، در سال‌های بعد به جهت اینکه اتهاماتش مشمول مرور زمان شده است، برایش منع قرار تعقیب صادر شد. اما اطلاعاتیها نمی‌خواهند رک بگویند که علی ربیعی در همان زمان افتضاح پول بالا کشیدن سهام کارگران و فروش کارخانجات را در پرونده اش دارد. (6) «شرکتی با نام «الفت» تأسیس کرده بود «که به فعالیت‌های کلان و مشکوکی در زمینه‌های سیاسی اقتصادی دست می‌زند»

در گفتگوی اشباح جای که اشاره شده است که ربیعی همچنان عضو موثر شورای مرکزی خانه کارگر است روابط خوبی با دیگر گروه‌های اصلاح طلبان نیز دارد؛ او دوست نزدیک حسن روحانی و بسیاری از چهره‌های کارگزارانی نزدیک به وی است، با جبهه مشارکت دوستی دیرینه دارد، از عناصر اطلاعاتی مورد وثوق سازمان مجاهدین انقلاب است و با چهره‌های کلیدی مجمع روحانیون همچون خاتمی و ابطحی بسیار صمیمی است. گلپور می‌گوید وقتی ربیعی صحبت از بازجویانی می‌کند که با وضو برسر «کار» خود حاضر می‌شدند، می‌خواهد بگوید که خود این کاره بوده است. اما اگر تمام زندگی و فعالیت اطلاعاتی این بازجویی با وضو را خلاصه کنیم در توطئه علیه مجاهدین و مخالفان «نظام» بیان می‌شود. او در تمام توطئه‌های ریز و درشتی که از سوی نهادهای اطلاعاتی علیه سازمان مجاهدین صورت گرفته است حضور مستقیم و فعال داشته است. این توطئه‌ها تنها در داخل ایران و در رابطه با زندانیان و اسیران نبوده است. ایشان حتی در فرانسه این فعالیت خود را دنبال می‌کند. سندی در این رابطه هست که مینویسد (موضوع: پیگیری قضایی پرونده مطروحه در دادگاه فرانسه - با عنایت به تصمیمات متخذه در شورایی عالی امنیت در خصوص پیگیری قضایی مطروح در دادگاه‌های فرانسه، که برای تأمین هزینه‌های مربوطه مبلغ یک میلیون دلار از محل سهمیه‌ارزی نهاد ریاست جمهوری طی نامه شماره: 698/302 س ر مورخ: 02/06/82 اختصاص و مراتب به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شود. مسؤل اجرایی دبیرخانه شورایی عالی امنیت علی ربیعی)

رضا گلپور میگوید که اجازه انتشار جلد دوم کتابش به نام «گفتگوی اشباح» با اعمال نفوذ ربیعی لغو شد. گلپور همچنین به افشاگری مافیای اطلاعات شهر ری پرداخت بود. او می گوید " البته شهرری نه تنها منطقه ویژه‌ای در فضای سیاسی داشته و دارد بلکه اولین جریان‌های امنیتی حاکم در نظام نیز از این منطقه بوده‌اند که افرادی نظیر آقایان سعید حجاریان کاشی، خسرو قنبری تهرانی، مصطفی تاجزاده، علی ربیعی، پورنجاتی، علی تهرانی و دیگرانی از این دست، گرایش‌هایی به شدت رادیکال در فضای سال‌های اول انقلاب دارند که من دوستان شهرری را هرگز در لیست آن رادیکالیست‌ها نمی‌دانم" (7)

هنوز آقای ربیعی به وزارت نرسیده خبر از پیشنهاد رشوه 50 میلیارد تومانی یک نفر به ایشان برای کسب مدیریت شستا (8) در مجلس طرح شده است. شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی که ریاست هیئت مدیره آن بر عهده سعید مرتضوی است و دارای میلیاردها تومان پول نقد است که برای بسیاری خوان نعمت است و حق و حقوق بازنشستگان را به راحتی آب خوردن، می‌خورند.

در هشتم ژوئن امسال در نشست سازمان جهانی کار، نمایندگان کارگری بر ضرورت پایبندی به **پیگیری موارد نقض** حقوق کارگری تأیید کردند. در این نشست، نمایندگان کارگران لایحه شناخته شدن کشتار شصت و هفت را تأیید کردند، همان لایحه ای که در روز چهارشنبه پنجم ژوئن ۲۰۱۳ پارلمان کانادا آن را به تصویب رسانده بود که در آن کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران در تابستان ۶۷ را جنایت علیه بشریت قلمداد کرد. جنایت جمهوری اسلامی ایران علیه بشریت در تابستان ۶۷ موضوعی نیست که جنبش کارگری آنرا نادیده بگیرد. حتی زمانیکه در بیست و پنج ماه ژوئن درباره آینده آزادی بیان و تشکل در پارلمان اروپا جلسه بود نماینده کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه های کارگری نیز به آن اشاره کرد.

در مدتی که از انتخاب آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور جدید می‌گذرد، کارگران بسیاری از هفت تپه، پارس جنوبی، زاگرس، کیان تایر، سیمان زرین تا پرستاران بوشهر در اعتراض به وضعیت کار و حقوق‌های عقب‌افتاده تظاهرات و اعتصاب داشته‌اند. مشکلات طبقه کارگری ایران بسیار عمیق است و وضعیت کارگران امروز از نامه‌نگاری گذشته و ما هم باید در همبستگی با آنها، مجرمان کشتار و شکنجه را به دادگاه‌های بین‌المللی بکشانیم.

یکی از شرایط رسیدن به وزارت در ایران داشتن سابقه همکاری با نهادهای سرکوبگر است، خانه کارگر از دست نیروهای اجتماعی تسخیر شد برای سرکوب نیروهای مترقی و عدالتخواه در ایران و آقای ربیعی هم در فساد و هم در جنایت نقش داشته و در عرصه داخلی و بین‌المللی باید تحت تعقیب قرار گیرد چون مجرم است.

مهدی کوهستانی
مرداد نود و دو

(1) <http://fararu.com/fa/news/156814/%D8%B3%D8%B9%DB%8C%D8%AF-%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%AD%D8%A7%D9%86%DB%8C->

%D8%AF%D8%B4%D9%88%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA

(<http://www.asremrooz.ir/vdcgwt93.ak9zt4prra.html>)(3

(<http://www.shahbazi.org/pages/Services6.htm>(4

(<http://www.shahbazi.org/pages/Services6.htm>(5

(<http://www.shahrvand.com/archives/38966>(6

[http://www.ammariyon.ir/fa/news/18871/%D8%A7%D8%B2-%DA\(7\)7%D8%A9%D8%B4%D9%85%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%D8%A7-%D9%85%D8%B4%D8%A7%DB%8C%DB%8C](http://www.ammariyon.ir/fa/news/18871/%D8%A7%D8%B2-%DA(7)7%D8%A9%D8%B4%D9%85%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%D8%A7-%D9%85%D8%B4%D8%A7%DB%8C%DB%8C)

[http://www.majlesnews.ir/fa/news/12591/%D9%BE%DB%8C\(8%D8%B4%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87-50-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C](http://www.majlesnews.ir/fa/news/12591/%D9%BE%DB%8C(8%D8%B4%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87-50-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C)

[http://www.majlesnews.ir/fa/news/12591/%D9%BE%DB%8C\(8%D8%B4%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87-50-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D8%AA%D9%88%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%B9%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA-%D8%B4%D8%B3%D8%AA%D8%A7](http://www.majlesnews.ir/fa/news/12591/%D9%BE%DB%8C(8%D8%B4%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF-%D8%B1%D8%B4%D9%88%D9%87-50-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D8%AA%D9%88%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%B9%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA-%D8%B4%D8%B3%D8%AA%D8%A7)